

## عاشورا: تبیین دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت (شباهت‌ها و تفاوت‌ها)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد فلاح‌زاده\*

### اشاره

حضرت حسین بن علی علیه السلام در میان مسلمانان شخصیتی محترم و مقدس دانسته می‌شود؛ هم شیعیان که آن حضرت را پیشوای مذهبی خود (امام سوم) می‌دانند و نیز اهل سنت که آن حضرت را «نواده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم»، یکی از اهل بیت علیهم السلام و صحابی بزرگوار<sup>۱</sup> می‌دانند. هر دو طیف مسلمانان، در نگاه به عاشورا، دیدگاه‌هایی دارند که برخی از آن دیدگاه‌ها مشترک و برخی متفاوت است. این نوشتار می‌کوشد تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه‌ها را تبیین کند. در این نوشتار دیدگاه‌هایی از برخی عالمان اهل سنت نقل شده است که کمتر از سوی نویسندگان مورد توجه قرار گرفته‌اند.

### مقدمه

مسلمانان از دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم احترام فراوانی برای امام حسین علیه السلام قائل بودند. روایت‌های به‌یادگار مانده از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم سبب شده بود مسلمانان به امام حسین علیه السلام اعتقاد خاصی داشته باشند؛ مثلاً سمعانی از چهره‌های علمی سرشناس علمی اهل سنت نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من أراد أن ينظر إلى سيد شباب أهل الجنة فلينظر إلى الحسين بن علي:»<sup>۱</sup> هر کسی می‌خواهد به آقای جوانان اهل بهشت نگاه کند، به حسین بن علی علیه السلام بنگرد». رواج این نوع روایت‌ها در میان اهل سنت سبب شده بود آنان نگاه تقدس‌آمیزی به ایشان داشتند. این نگاه محترمانه معنوی، تنها مربوط به شخصیت ایشان نبود، بلکه عاشورا نیز همین ویژگی را نزد اهل سنت داشت و اهل سنت و شیعیان از قدیم احترام خاصی برای عاشورا قائل بودند. برخی از

\* عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم.

۱. ابوسعید عبدالکریم سمعانی، الأنساب، ج ۸، ص ۱۸۵.

رفتارهای اهل سنت در نگاه به عاشورا، شبیه شیعیان و برخی متفاوت از شیعیان بود که این موارد را با هم مرور می‌کنیم.

### ۱. شباهت‌ها

همان‌طور که بیان شد، شماری از رفتارها و اعتقادات اهل سنت و شیعیان دربارهٔ عاشورا مشترک است؛ یعنی هر دو طیف مسلمان در این باره هم‌نظر هستند که در ادامه به مواردی اشاره خواهیم کرد.

#### الف) عاشورا نماد ستم‌ستیزی

هم شیعیان و هم طیف قابل توجهی از اهل سنت، قیام امام حسین علیه السلام را مظهر قیام برای احقاق حق و مبارزه با ظلم و فساد می‌دانند. عالم نامدار اهل سنت، یموت بن مزرع العبدی (۳۰۴ ق) در کتاب نوادر الرسائل و بعد از او ابواسحاق ابراهیم بن علی حصری قیروانی (متوفی ۴۵۳ ق) در زهر الآداب و ثمر الألباب خطبه‌ای از امام حسین علیه السلام در صبح روز عاشورا نقل کرده است که به خوبی نشان می‌دهد اهل سنت، نهضت حسینی را نشانه قیام برای خدا و امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند. در بخشی از این کتاب‌ها آمده است: امام حسین علیه السلام در صبح عاشورا خطاب به پیروان امویان در کوفه فرمود: «یا عباد الله، اتقوا الله، و کونوا من الدنیا علی حذر؛ فإن الدنیا لو بقیة علی أحد [أو بقیة علیها أحد] لکانة الأنبیاء أحق بالبقاء، وأولی بالرضاء، [و أرضی] بالقضاء؛ غیر أن الله تعالی خلق الدنیا للفناء، فجدیدها بال، و نعیمةا مضمحل، و سرورها مکفهر، منزل تلعة، و دار قلعة؛ فتزودوا فإن خیر الزاد التقوی، و اتقوا الله لعلکم تفلحون»<sup>۱</sup> ای بندگان خدا، از خدا بترسید و از دنیاپرستی پرهیزید که دنیا اگر قرار بود برای کسی بماند، شایسته بود برای پیامبران بماند؛ چون آنها هم به رضای خدا راضی‌تر و هم به قضای پروردگار خوشنودتر بودند. اما بدانید که خدا دنیا را برای ماندگاری نیافریده است، بلکه در دنیا هر چیزی پایان‌پذیر است و شادی‌اش هم ماندگار نیست، منزل زودگذر و خانه‌ای موقت است. پس از خدا بترسید و برای آخرت خودتان را آماده کنید که شاید خدای متعال شما را رستگار نماید».

#### ب) تقدس بخشی به عاشورا

یکی دیگر از موضوعات مشترک میان شیعیان و اهل سنت درباره عاشورا این است که هر دو

۱. ابوالحسن محمد الغسانی، نوادر الرسائل، ص ۹۵؛ ابراهیم بن علی قیروانی، زهر الآداب و ثمر الألباب، ج ۱، ص ۶۹.

گروه، عاشورا را واقعه‌ای مقدس می‌دانند و از ادبیات مشترکی برای اشاره به آن استفاده می‌کنند. بر این اساس کتاب‌های شیعه و سنی برای نشان دادن تقدس از ادبیات همسو بهره می‌برند و عباراتی که در اهل سنت برای نشان دادن یک امر مقدس دیده می‌شود، در میان شیعیان نیز رایج است. یکی از عباراتی که نشان می‌دهد امام حسین علیه السلام حرکتی مقدس را دنبال کرده است، کلامی است که در منابع قدیمی شیعی آمده است. آن حضرت هنگام قیام علیه بنی امیه در وصیتی به برادرش محمد حنفیه فرمودند: «أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَ أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي ...»<sup>۱</sup>.

نکته مهم این است که این ادبیات مقدس که برای نهضت حسینی به کار رفته است، در میان صحابه و یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رواج داشت؛ یعنی امام حسین علیه السلام از کلامی استفاده می‌کند که این کلام در میان دیگر صحابه مربوط به جایی بود که کسی می‌خواست کاری برای رضای خدا انجام دهد؛ برای مثال در کتب اهل سنت از أم سلمة همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سعد بن مالک بن سنان معروف به ابوسعید خدری<sup>۲</sup> این روایت نقل شده است: «من خرج في طاعة الله تعالى فقال: اللهم إني لم أخرج أشراً ولا بطراً، ولا رياء ولا سمعة ولا كني خرجت ابتغاء مرضاتك واتقاء سخطك...»<sup>۳</sup> هر کس برای طاعت از خدا [هر امری که اطاعت خدا در آن است] از خانه خارج شود، این عبارت را بگوید: من از روی سرکشی و خوشگذرانی و فساد یا خودنمایی و شهرت از خانه خارج نشده‌ام، بلکه برای رضای خدا و دوری از خشم خدا این کار را می‌کنم». اگر دقت کنیم بسیاری از کلمات این روایت، دقیقاً در سخن امام حسین علیه السلام هم دیده می‌شود و این وجه شباهت و همانندی هر دو کلام نشان می‌دهد که از یک سرچشمه یعنی سیره نبوی سرچشمه گرفته‌اند.

### ج) شهیددانش‌کشتگان عاشورا

یکی دیگر از موضوعاتی که میان شیعه و سنی مشترک است، اینکه هم شیعیان و هم طیف گسترده‌ای از اهل سنت، شهیدان کربلا را کشته‌های راه خدا می‌دانند؛ بنابراین در کتب خود اشعاری با همین مضمون سروده‌اند. علی بن محمد بن محمد بن اثیر (۵۵۵ - ۶۳۰ ق) ملقب

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰.

۲. احمد بن عبدالوهاب نویری، نهاية الأرب، ج ۵، ص ۳۰۷.

۳. ابی عباس احمد قیسی شریسی، شرح مقامات الحریری، ج ۱، ص ۳۴۴.

به «عزالدين»، محدث، مورخ و اديب اهل تسنن در الكامل في التاريخ و ابوالفرج عبدالرحمن بن جوزي (۵۱۰ - ۵۹۷ ق) متکلم، مورخ، محدث و فقيه حنبلي در بستان الواعظين و رياض السامعين ماجرايي را نقل کرده‌اند که نقل اين مطالب نشان می‌دهد طيف گسترده‌ای از اهل سنت، امام حسين و شهدای کربلا را شهيد می‌دانند. اينان نوشته‌اند: «عبدالله بن عباس (پسر عموی حضرت علی) شبی پس از عاشورا، رسول الله خدا را در خواب دید که آن حضرت بسیار غمگين بودند و شیشه‌ای پر از خون در دست داشتند. عبدالله از آن حضرت پرسید که ای رسول خدا ﷺ اين شیشه خون چیست؟ رسول خدا ﷺ فرمود: اين خون حسين و يارانش است که [به تازگی به شهادت رسيده‌اند و من] آن را به سوی خدا [به عالم] بالا می‌برم»<sup>۱</sup>.

جالب آنکه اين نگاه شهيدمحور به شهدای کربلا در آثار مختلف ادبی نیز دیده می‌شود؛ برای مثال ابوالفرج اصفهانی (۲۸۴ - ۳۵۶ ق) در الأغاني، اشعاری در مدح امام حسين ﷺ نقل کرده است که گزينش و چينش اين اشعار در کتاب، نشان از برجستگی ظلم‌سيزی در نهضت حسيني دارد. مفهوم شعری که او اشاره دارد اين است که کسانی که در کربلا به شهادت رسيدند، برای احیای دين خدا قيام کردند و در راه حق به شهادت رسيده‌اند:

تبیت سکاری من أمية نوما و بالطف قتلي ما ينام حميمها

خاندان امیه شب‌ها را مست می‌خوانند، در حالی که بستگان کشتگان کربلا شب‌ها خواب ندارند.

و ما أفسد الإسلام إلا عصابة تأمر نوكاهها و دام نعيمها

اسلام را تباه نکرد، مگر جماعتی که کودکان‌هایشان به زور حکم راندند و خوش‌گذرانی کردند. فصارت قناة الدين في كف ظالم إذا اعوج منها جانب لا يقيمها

آن‌گاه نیزه دین در دست ستمگری افتاد که هرگاه بخشی از آن کج می‌شود، راستش نمی‌کند.<sup>۲</sup>

مقریزی از دیگر عالمان اهل سنت در کتاب امتاع الاسماع ماجرايي را نقل می‌کند که نشان‌دهنده اهمیت شهادت امام حسين ﷺ برای صحابه و برخی از زنان پیامبر ﷺ است تا

۱. عزالدین ابن اثیر، الكامل في التاريخ، ج ۴، ص ۹۳؛ ابوالفرج عبدالرحمان ابن جوزي، بستان الواعظين و رياض السامعين، ص ۲۶۱.

۲. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۷، ص ۱۰۱.

عاشورا: تبیین دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت (شباهت‌ها و تفاوت‌ها) ■ ۱۳

جایی که آنها از ناراحتی این خبر مدت‌ها در مسجد نبی بست نشسته‌اند. او نوشته است حمید بن عبدالله بن اصم از دخترش نقل می‌کند که وقتی خبر شهادت امام حسین علیه السلام به مدینه رسید، ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله به نشانه اعتراض، چادر سیاهی (خمار) به سر کردند و به مسجدالنبی رفت و در آنجا [تا مدتی] بست نشست (تحصن کرد).<sup>۱</sup>

#### د) اعتقاد به زیارت

سنت زیارت از قدیم میان مسلمانان رسم بود. بر اساس سیره نبوی، رسول خدا صلی الله علیه و آله سالانه یک یا چند مرتبه به زیارت مزار شهیدان می‌رفت.<sup>۲</sup> این امر بعدها میان صحابه نیز رسم شد.<sup>۳</sup> پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله، زیارت آن حضرت در میان مسلمانان رسم شد و این امر به دستور خود آن حضرت بود. در منابع اهل سنت نقل شده است بلال حبشی که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه به شام رفته بود، شبی در خواب دید رسول خدا صلی الله علیه و آله گلابه‌مندانه به ایشان می‌فرماید: «بلال، این چه جفایی است که به ما روا داشته‌ای؟! چرا سری به ما نمی‌زنی؟!» بلال به همین دلیل به مدینه آمد و بر سر مزار رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت، آنجا خیلی گریست و صورتش را به مزار آن حضرت مالید. در آنجا امام حسن و امام حسین علیه السلام که هنوز نوجوان بودند را در آغوش گرفت و بوسید. حسنین علیه السلام از او خواستند که به یاد رسول خدا صلی الله علیه و آله فردا اذان صبح را او بگوید. بلال هم پذیرفت. صبح به بالای مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و اذان گفت. وقتی «الله اکبر» را گفت، به یاد دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله صدای ناله و گریه برخی از مردم مدینه بلند شد. وقتی به «اشهد ان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله» رسید، زن‌هایی که تازه از خواب بیدار شده بودند، با شنیدن صدا [سراسیمه از خانه بیرون آمدند و گفتند: مگر دوباره رسول خدا مبعوث شده است؟ آن اذان چنان حال مردم را دگرگون کرد که اهل مدینه مانند روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفته بود، گریه می‌کردند.<sup>۴</sup>

همان‌طور که بیان شد، بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از نکات مشترک میان شیعه و اهل سنت، سنت زیارت بود که ابتدا مربوط به زیارت مزار رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه بود و به مرور زمان زیارت مزار بزرگان صحابه، عالمان، عارفان و شهیدان نیز در میان آنان رسم شد؛ اما این رسم در گذر زمان به دلیل سلطه جریان‌های حدیث‌گرا مانند حنابله و سلفیه که مخالف زیارت

۱. تقی‌الدین مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۱۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۲، ص ۲۴۲.

۲. نورالدین علی السمهودی، وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۱۱.

۳. محمد بن عمر واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۳۱۴.

۴. ابوالحسن محمد الغسانی، نوادر الرسائل، ج ۵، ص ۴۶.

بودند، متروک شد؛ برای مثال مزار دیلمی در کنار معروف کرخی در بغداد جایی بود که اهل سنت به زیارت آن می‌رفتند<sup>۱</sup> و قبر محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶ ق) عالم معروف اهل سنت زیارت می‌شد.<sup>۲</sup>

در همان زمان مزار امام حسین علیه السلام را مسلمانان زیارت می‌کردند تا اینکه دستور تخریب مزار ایشان و دستگیری و شکنجه زائران آن حضرت، از سوی متوکل عباسی در سال ۲۳۶ قمری<sup>۳</sup> صادر شد. از این زمان به بعد تا مدتی زیارت مزار آن حضرت منحصر به شیعیان شد تا آنکه متوکل در سال ۲۴۷ قمری به دست پسرش منتصر کشته شد. منتصر زیارت امام حسین علیه السلام را دوباره اجازه داد و بار دیگر شیعه و اهل سنت به زیارت آن حضرت رفتند.<sup>۴</sup> امروزه نیز مزار آن حضرت از سوی اهل سنت زیارت می‌شود که نمونه بارز آن زیارت اربعین است که هزاران نفر از اهل سنت نیز در آن شرکت می‌کنند.

یکی از دیگر نکاتی که در نگاه اعتقادی مسلمانان به عاشورا وجود دارد این است که در زیارت آن حضرت، قائل به شفاگرفتن هستند. باور به شفاگرفتن از زیارت مزار، اولین بار زمانی اتفاق افتاد که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت. پس از رحلت ایشان، کسانی که مریض بودند، به قصد شفا وارد مدینه می‌شدند، به زیارت مزار ایشان می‌رفتند و در مسجد نبی، همان جایی که پیامبر نماز خوانده بود، نماز می‌خواندند. در تاریخ نقل شده است شخصی به نام ابن سریج که از ترانه‌خوانان مجالس امویان بود، به بیماری عجیبی مبتلا شده بود که نمی‌توانست در جمع خودش را حفظ کند. برای اینکه شفا پیدا کند، ابتدا به حج رفت و در آنجا توبه کرد. چند صبحی در مسجد الحرام اعتکاف کرد و شفا گرفت. بعد به مزار رسول خدا رفت و در محل نماز پیامبر، نماز خواند و بعد از آن دیگر در هیچ مجلس غنائی شرکت نکرد.<sup>۵</sup> سنت زیارت قبور برای شفاگرفتن در میان مسلمانان رواج داشت. برخی از مسلمانان معتقدند خدای متعال به دلیل مقامی که امام حسین علیه السلام با شهادتش بدان دسته یافته است، دعایش در عالم بالا (نزد پروردگار) مستجاب است.

۱. ابوالفرج عبدالرحمان ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۲، ص ۹۰ - ۹۱.

۲. احمد بن مصطفی طاش کبری زاده، مفتاح السعادة و مصباح السیاده، ج ۲، ص ۱۱۸.

۳. جمال الدین ابوالمحاسن یوسف ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۲، ص ۲۸۴.

۴. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۵۱ - ۵۲.

۵. ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ج ۱۷، ص ۳۲.

## ه) عزاداری

از دیگر امور مشترک میان شیعه و سنی، عزاداری برای آن حضرت است. عزاداری در گذشته به‌ویژه در عصر آل‌بویه و سلجوقیان از سوی اهل سنت بسیار باشکوه انجام می‌شد؛ برای مثال اهل سنت شهرهای اصفهان، نیشابور، همدان و دیگر شهرها، هر سال روز عاشورا پس از نماز صبح با شروع عزاداری نوحه‌خوانی می‌کردند، خاک بر سر می‌ریختند و عمامه (به نشانه عزا) از سر برمی‌داشتند و یقه چاک می‌دادند و گریه می‌کردند.<sup>۱</sup> شیعیان هم در همان دوران طبل می‌نواختند، در راه‌ها و بازارها خاکستر و کاه می‌ریختند و بر دکان‌ها پلاس می‌آویختند، آب نمی‌خوردند، نوحه‌سرایی می‌کردند و به سینه و صورت خود می‌زدند، با پای برهنه در بازارها و خیابان‌ها به راه می‌افتادند و اظهار غم می‌کردند.<sup>۲</sup>

## و) مقتل‌نویسی

از دیگر کارهایی که هر دو طیف شیعه و سنی برای احیای عاشورا انجام داده‌اند، نوشتن کتاب‌های زیادی درباره قیام آن حضرت است؛ از جمله موفق بن احمد بن محمد (۴۵۷ - ۵۶۸ ق) معروف به خوارزمی، عالم حنفی اهل خوارزم، کتاب مقتل الحسین را نوشته است که امروزه هم در اختیار ماست. غیر از او، عبدالله بن ابراهیم طائفی حنفی (د ۱۲۰۷ ق) کتاب اتحاف السعداء بمناقب سیدالشهداء را نوشته است. در میان شیعیان نیز از مقتل‌های قدیمی می‌توان به مقتل جابر بن یزید جعفی از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام یاد کرد. به جز او می‌توان از قاسم بن اصبع بن نباته هم یاد کرد کتابی در مقتل امام حسین علیه السلام نوشت. پدر قاسم یعنی اصبع یکی از یاران امام علی علیه السلام در جنگ‌های جنگ جمل و صفین بود.<sup>۳</sup>

## ۲. تفاوت‌ها

### الف) تربت امام حسین علیه السلام

شیعیان معتقدند تربت امام حسین علیه السلام خاکی مقدس است؛ زیرا یکی از مسائلی که درباره امام حسین علیه السلام به آن اشاره شده است، اهمیت تربت (خاک مزار) آن حضرت است. در این باره روایتی از ام‌سلمه در کتب اهل سنت نقل شده است که پیامبر خاکی از مزار امام حسین علیه السلام را که

۱. عبد الجلیل قزوینی، النقض، ص ۳۷۰ - ۳۷۳.

۲. ابوالفداء اسماعیل ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۲۰۲.

۳. نصر بن مزاحم منقری، وقعة صفین، ص ۳۲۲.

جبرئیل علیه السلام آورده بود، به ام سلمه داد و فرمود: «هر وقت این خاک به رنگ خون درآمد، بدان که فرزندم حسین علیه السلام کشته شده است».<sup>۱</sup> این روایت اولین روایتی است که اهمیت تربت امام حسین علیه السلام را به دیگران یادآور می‌شود. تاریخچه احترام به تربت در میان شیعیان به شهادت حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله برمی‌گردد. شیخ مفید در المزار در این باره نقل می‌کند: حضرت فاطمه علیها السلام تسبیحی از نخ پشمین داشت که روی آن گره‌هایی زده بود و با شمارش آن گره‌ها، تکبیر (الله اکبر) و تسبیح (سبحان الله) می‌گفت. وقتی حمزه به شهادت رسید، حضرت فاطمه علیها السلام از خاک مزار حمزه تسبیح‌هایی ساخت و میان مردم مدینه هم پخش کرد تا با آن ذکر بگویند. این رسم ادامه داشت تا اینکه امام حسین علیه السلام به شهادت رسید و فضیلت تربت آن حضرت مشخص شد، برخی از شیعیان با آن تسبیح ساختند.<sup>۲</sup> امام علی علیه السلام درباره خاک کربلا فرموده‌اند: «وَاهَا لَكَ أَيُّهَا الثُّرْبَةُ، لِيُحْشَرَنَّ مِنْكَ قَوْمٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ... بِغَيْرِ حِسَابٍ»<sup>۳</sup> چه خوشبویی ای خاک، در روز قیامت گروهی از تو پیاخیزند که بدون حساب به بهشت خواهند رفت». در منابع تاریخی آمده است زمانی که متوکل بر مزار آن حضرت و اطراف آب بست، آب تا چهل روز روی قبر را فراگرفته بود. وقتی آب فرونشست، تشخیص محل قبر دشوار شد. شیعیانی که به کربلا می‌آمدند، برای یافتن محل دقیق قبر از هر جایی از خاک زمین کربلا که حدس می‌زدند قبر آنجا باشد، مشتی از خاک را بر می‌داشتند و بو می‌کردند تا به خاک محل دقیق مزار آن حضرت رسیدند؛ زیرا خاک قبر ایشان بوی عطر خاصی داشت که از اثر آن بو، محل قبر را تشخیص می‌دادند.<sup>۴</sup> بعدها تسبیح‌سازی از خاک مزار امام حسین علیه السلام در دوره آل بویه (۳۳۴ - ۴۴۷ ق) رواج یافت و برخی از شیعیان بغداد تسبیح و مهر از تربت امام حسین علیه السلام می‌ساختند و به شیعیان [زائر] هدیه می‌دادند.<sup>۵</sup>

شاعر در اهمیت تربت امام حسین علیه السلام سروه است:

۱. عزالدین ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۹۳؛ احمد بن عبدالوهاب نویری، نهاية الأرب فی فنون الأدب، ج ۲۰، ص ۴۷۴.

۲. محمد بن محمد مفید، مناسک المزار، ص ۱۵۰.

۳. نصر بن مزاحم منقری، وقعة صفین، ص ۱۴۰.

۴. یحیی بن حسین شجری جرجانی، الأمالی الخمیسیة، ج ۱، ص ۲۱۳.

۵. ابومنصور ثعالبی، یتیمه الدهر، ج ۳، ص ۴۲۲.



تُربَّت خاکستر بی‌مایه را زر می‌کند	سنگ اسود را مثال دُر و گوهر می‌کند
ذره‌ای تربت به کام طفل، آغاز حیات	روزی‌اش را تا دم مرگش مقرر می‌کند
اندکی از آن به کام یک مریض رو به موت	بهتر از کل اطبا، کار محشر می‌کند
در میان قبر یک مقدار خاک مدفنت	چهرهٔ خاموش میت را منور می‌کند <sup>۱</sup>

### ب) روزهٔ روز عاشورا

یکی دیگر از تفاوت‌های میان اهل سنت و شیعه در موضوع عاشورا، اعتقاد به روزهٔ این روز است. فقیهان اهل سنت در این باره چهار نظریه دارند: ۱. پیامبر ﷺ در مکه روز عاشورا را روزه می‌گرفتند و کسی را به این کار سفارش نکردند، بلکه این امر رفتاری شخصی بود. ۲. پیامبر ﷺ پس از هجرت به مدینه، عاشورا را روزه می‌گرفت و این امر را به همه توصیه کردند تا جایی که بچه‌ها هم روزه می‌گرفتند. ۳. روزه عاشورا مربوط به سال‌های قبل از وجوب روزه رمضان (سال دوم هجری) بود و پس از آن نسخ شد. ۴. پیامبر ﷺ یک روز به روزه عاشورا اضافه کرد تا مسلمانان در این روزه‌داری به یهودیان شبیه نباشند.<sup>۲</sup> اما شیعیان معتقدند روزه عاشورا رسمی برجای مانده از امویان است؛ زیرا امویان به شکرانه پیروزی بر دشمن خود در کربلا (یعنی امام حسین علیه السلام) آن روز را روزه می‌گرفتند.<sup>۳</sup> بیشتر عالمان اهل سنت بر اساس روایات عالم معروف محمد بن اسماعیل بخاری که روزه این روز را به صدر اسلام نسبت می‌دهد، این روزه را مستحب می‌دانند؛<sup>۴</sup> اما فقیهان شیعه همچون سید یزدی صاحب کتاب عروة، آیت الله بروجردی، آیت الله حکیم و امام خمینی رحمه الله به مکروه بودن روزه در این روز فتوا داده‌اند.<sup>۵</sup>

بر اساس مشاهدات نویسنده، امروزه برخی از اهل سنت شافعی در غرب ایران، در ایام دهه محرم سه روز (روزهای نهم، دهم و یازدهم) را روزه می‌گیرند و ثواب آن را به شهیدان کربلا و

۱. شعر از یدالله شهریاری.

۲. سیدمرتضی العاملی، الصحيح من السيرة النبی الاعظم، ج ۴، ص ۳۰۵ - ۳۰۸.

۳. احمد فلاح‌زاده، «درآمدی بر سنت‌سازی امویان؛ مطالعه روندی - فرایندی روزه عاشورا»، ص ۸۵.

۴. محمد بن اسماعیل بخاری، صحيح البخاری، ج ۳، ص ۴۴.

۵. سیدمحمدکاظم الطباطبائی الیزدی، العروة الوثقی، ج ۳، ص ۶۵۷.

امام حسین علیه السلام تقدیم می‌کنند؛ ولی برخی از اهل سنت غرب کشور با همین نیت (تقدیم ثواب روزه به شهدای کربلا) تمام دههٔ محرم را روزه می‌گیرند. در نتیجه عاشورا میان اهل سنت و شیعه امری مشترک است که از گذشته بدان اهتمام داشتند و حرمت آن را حفظ می‌کردند. با آنکه دشمنان می‌کوشند چنین وانمود کند که عاشورا یک مراسم خاص شیعی است، تاریخ ثابت می‌کند که شیعه و سنی از قدیم در برپایی مراسم عاشورا سهم بسزایی داشته‌اند.

### کتاب‌نامه

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار الصادر، ۱۳۸۵ ش.
۲. ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابوالمحاسن یوسف، النجوم الزاهرة، مصر: وزارة الثقافة و الارشاد القومي - دار الکتب، [بی‌تا].
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان، بستان الواعظین و ریاض السامعین، تصحیح: ایمن عبدالجبار البحیری، چ ۲، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافية، [بی‌تا].
۴. ابن جوزی، ابوالفرج، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق.
۵. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل، البداية و النهایة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ ق.
۶. اصفهانی، ابوالفرج، الأغانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.
۸. ثعالبی، ابومنصور، یتیمۃ الدهر، تحقیق: مفید محمد قمحیه، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۹. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم، الأنساب، تحقیق: عبدالرحمن معلمی، چ ۱، حیدرآباد: دایرةالمعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. السمهودی، نورالدین علی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۶ م.
۱۱. شجرى جرجانى، یحیی بن حسین، الأمالی الخمیسیة، تحقیق: محمدحسن اسماعیل، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. طاش کبری‌زاده، احمد بن مصطفی، مفتاح السعادة و مصباح السیاده، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.

عاشورا: تبیین دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت (شباهت‌ها و تفاوت‌ها) ■ ۱۹

۱۳. الطباطبائی الیزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۱۴. العاملی، سید مرتضی، الصحیح من السیرة النبی الاعظم، ج ۴، بیروت: دار الهمادی، ۱۴۱۵ ق.
۱۵. العبدی، ابوبکر یموت، کتاب الأمالی، تحقیق: إبراهیم صالح، دمشق: دار البشائر، ۱۴۲۱ ق.
۱۶. الغسانی، ابوالحسن محمد، نواذر الرسائل، تحقیق: إبراهیم صالح، ج ۱، دمشق: دار البشائر، ۱۹۹۴ م.
۱۷. فلاح‌زاده، احمد، «درآمدی بر سنت‌سازی امویان؛ مطالعه روندی - فرایندی روزه عاشورا»، فصلنامه تاریخ اسلام، دوره ۱۶، ش ۳، ۱۳۹۴ ش.
۱۸. قزوینی، عبد الجلیل، النقض، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.
۱۹. قیروانی، إبراهیم بن علی، زهر الآداب و ثمر الألباب، بیروت: دار الکتب العلمیة مکان، ۱۴۱۹ ق.
۲۰. القیسی الشریسی، ابی عباس احمد، شرح مقامات الحریری، تحقیق: إبراهیم شمس‌الدین، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۷ ق.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۲، تهران: اسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
۲۲. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، ج ۲، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. مفید، محمد بن محمد، مناسک المزار، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. مقریزی، تقی‌الدین، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ ق.
۲۵. منقری، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، تصحیح: هارون عبدالسلام، ج ۲، قم: مکتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. النویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاية الأرب، ج ۱، قاهره: دار الکتب و الوثائق القومية، ۱۴۲۳ ق.
۲۷. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ج ۳، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۹ ق.